



مشاوره تحصیلی تمصیلیکو

مشاوره تخصصی ثبت نام مدارس ، برنامه ریزی درسی و
آمادگی برای امتحانات مدارس

برای ورود به صفحه مشاوره مدارس کلیک کنید

تماس با مشاور تحصیلی مدارس

۹۰۹۹۰۷۱۷۸۹



تماس از تلفن ثابت



باسمه تعالی
وزارت آموزش و پرورش
مشاوره تحصیلی تاهسیلیکو
دبیرستان غیر دولتی صدرای نور

نام: سوالات درس: نگارش امتحانات نیم سال دوم: ۹۸-۹۹ تاریخ امتحان:
نام خانوادگی: پایه: یازدهم تجربی - ساعت شروع: ۸ صبح مدت زمان امتحان: ۷۰ دقیقه شماره صندلی:
ریاضی

نام و نام خانوادگی دبیر: لیلا جهان پور نمره به عدد: نمره به حروف:

تاریخ و امضا:

ردیف	پایامبر اکرم (ص): «نیکوکاری کامل آن است که در نهان همان را انجام دهی که در آشکارا انجام می دهی»	بارم
۱	صحیح یا غلط بودن جملات زیر را با علامت (ص) و (غ) مشخص کنید. الف) مرحله ی پس از نوشتن، همان ویرایش نوشته است. ب) مرحله ی پیش از نوشتن، شکل گیری و گسترش محتوا است. ج) اجزای نوشته، شامل ساختار و محتوا است.	۱/۵
۲	برای واژه ی "خورشید" با روش بارش فکری، طرح نوشته را مشخص کنید. الف) ب) پ) ت) ث) ج) چ) ح)	۱
۳	۳- با بهره گیری از واژه ها و ترکیب های مرحله ی بارش فکری، چهار جمله ی مرتبط با موضوع بنویسید. الف) ب) پ) ت)	۳
۴	مثال های زیر را بخوانید، یکی را انتخاب کنید و آن را گسترش دهید. الف) بار کج به منزل نمی رسد. ب) از کوزه همان برون تراود که در اوست. پ) به زبان خوش، مار از سوراخ بیرون می آید.	۳
۵	برای مراسم عید نوروز، بارش فکری بنویسید. و سپس به سؤالات خواسته شده پاسخ دهید. الف) واژه های مربوط به زمان و مکان ب) واژه های مربوط به فضای نوشته پ) واژه های مربوط به جزئیات نوشته	۳
۶	شعر زیر را بخوانید و برداشت خود را از آن بنویسید. " دیدار یار غائب، دانی چه ذوق دارد؟ / ابری که در بیابان بر تشنه ای بیارد "	۲
۷	نوشته ی زیر را بخوانید و ویژگی های ظاهری و رفتاری شخصیت های آن را در متن مشخص کنید.	

۳	"الف. نوجوان که بود تابستان ها سرکار می رفت. یک روز قرار شد همراه خانواده به باغی در خارج از شهر برویم و استراحتی بکنیم؛ وقتی موضوع را به محمد ابراهیم گفتیم، گفت: من نمی آیم، کار دارم، من توی یک مغازه کار می کنم. گفتم: الان که تابستان است و درس و مشق نداری. زندگی هم که رو به راه است پس چرا کار می کنی؟ گفت: نمی خواهم دائم دنبال بازی باشم. دوست دارم سرکار بروم پرسیدم: حالا چه کار می کنی؟ گفت: توی یک مغازه میوه فروشی کار می کنم. گفتم: چرا میوه فروشی! می رفتی تو یک بزازی کار می کردی که لااقل کارش تر و تمیزتر است. گفت: اتفاقاً چون کارش سخت تر و بیشتر است آن را انتخاب کرده ام. در مغازه بزازی همه اش باید یک گوشه بنشینم و چرت بزنم. ب. نشستن در گوشه خاکریز و به فکر فرو رفتن، کار همیشه سیّد بود. او به دوردست ها خیره می شد و پرواز آرام کبوترها را که از میان دود و غبار انفجار می گذشتند، دنبال می کرد؛ درست مثل زمانی که از کنار گنبد حضرت عبدالعظیم پرمی کشیدند."
۳/۵	۸ حکایت زیر را بخوانید و آن را به زبان ساده بازنویسی کنید. "طاووسی و زاغی، در صحن باغی به هم رسیدند و عیب و هنر یکدیگر را دیدند. طاووس با زاغ گفت: این موزه (کفش) سرخ که در پای توست، لایق دیبای نگارین من است. همان وقت که به وجود می آمده ایم در پوشیدن موزه، اشتباه کرده ایم. من موزه سیاه تو را پوشیده ام و تو موزه سرخ مرا. زاغ گفت: برخلاف این است؛ اگر خطایی رفته است، در پوشش های دیگر رفته است. باقی پوشش های زیبای تو مناسب موزه من است؛ در آن خواب آلودگی، تو سر از گریبان من درآوردی و من سر از گریبان تو. در آن نزدیکی، سنگ پشته بود و آن مجادله را می شنید؛ سر برآورد که ای یاران عزیز! از این گفت و گوی باطل دست بردارید؛ خدای تعالی همه چیز را به یک کس نداده است. هر کس را به داده خود، خرسند باید بود و خشنود."
	موفق باشید جمع نمره